

تحلیل شرایط، موانع و آثار اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللیبا مطالعه رویکرد نظام حقوقی ایران و پیشنهاد سیاست ترجیحی

رضا معبودی نیشابوری*^۱، سید علیرضا رضائی^۲

۱- استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق علوم و سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

چکیده

میانجی‌گری، علی‌رغم قدمت تاریخی و مزایای مهم آن برای طرفین دعوا، در مقایسه با سایر شیوه‌های حل اختلاف، مانند داوری و دادرسی قضایی، از اقبال کمتری برخوردار بوده است. بر حسب تحقیق‌ها و بررسی‌های علمی و عملی انجام شده، علت وضعیت مذکور، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری، عنوان گردیده است. جهت رفع ضعف مذکور و ترویج میانجی‌گری، سازمان ملل متحد اقدام به تصویب معاهده سنگاپور نمود. معاهده مذکور اخیراً لازم‌الاجرا شده و به امضای کشور ایران نیز رسیده است. اگرچه مراحل تصویب در قوه مقننه را مطابق اصل ۱۲۵ قانون اساسی ایران طی نکرده است. در پژوهش حاضر، قواعد و جوانب مختلف اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی به صورت تحلیلی مطرح شده تا قانون‌گذار ایرانی، پژوهش‌گران حقوقی و فعالان تجاری بتوانند برداشت صحیحی از مقررات این معاهده داشته باشند. در نهایت این مقاله به این نتیجه نائل آمده است که حمایت اجرایی از سازش‌نامه و اعطای وضعیت اعتبار امر مختوم به سند مذکور، گام مهمی در جهت توسعه میانجی‌گری است. در مقابل، ابهامات و مقررات قابل نقدی در معاهده مذکور وجود دارد که درج آن‌ها به دلیل حصول اجماع میان کشورهای عضو بوده و قطعاً این معاهده با فراهم کردن زمینه و توسعه میانجی‌گری، می‌تواند مقدمه‌ای برای تصویب معاهده‌ای جامع‌تر در خصوص میانجی‌گری باشد. به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد می‌شود که نظام حل و فصل اختلافات ایران با تصویب این معاهده توسط قانون‌گذار و نیز تدوین و تصویب قانون ملی میانجی‌گری با الهام از قانون نمونه آنسیترال جهت هماهنگی میان رویکرد قانونی به میانجی‌گری داخلی و بین‌المللی، گام مهمی را جهت ترویج این روش حل اختلاف بردارد.

واژگان کلیدی: سازش، اعتبار امر مختوم، گزارش اصلاحی، سازش‌نامه منعکس در رای داوری، میانجی‌گری.





مقدمه

میانجی‌گری در کنار داوری و دادرسی قضایی، یکی از روش‌های اصلی حل اختلاف می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی میانجی‌گری، اعطای اختیار تعیین نتیجه دعوا به خود طرفین است. در واقع این فرصت برای طرفین دعوا فراهم می‌شود که با توجه به شرایط خاص پرونده، بر یک راه‌حل مناسب توافق نمایند. در حالی که در داوری و دادرسی قضایی، شخصی ثالث با توجه به مقررات قانونی، نتیجه دعوا را مشخص می‌کند و امکان دارد حتی محکوم له نیز از رای صادره به طور کامل راضی نباشد.

قبل از تصویب معاهده سازمان ملل متحد در مورد سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری ۱۹۰۱۹ (معاهده سنگاپور^۲)، تفاوت مهم میانجی‌گری با روش‌های حل اختلاف مذکور، در فقدان حمایت اجرایی از نتیجه میانجی‌گری بود. با این توضیح که در صورت صدور رای داوری یا رای دادگاه و استتکاف یکی از طرفین دعوا از اجرای آن، می‌توان از طریق دادگاه، طرف مزبور را مجبور به اجرای مفاد رای صادره نمود، در حالی که قبل از معاهده مزبور، عمدتاً چنین وضعیتی در خصوص سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری وجود نداشت و در صورت عدم اجرای مفاد سازش‌نامه توسط یکی از طرفین، بسیار دشوار بود که بتوان مستقیماً و به سرعت، وی را به اجرای مفاد سازش‌نامه مجبور کرد زیرا سازش‌نامه دارای ارزشی مثل یک قرارداد بود و باید تقاضای اجرای تعهدات قراردادی مذکور در سازش‌نامه از قاضی یا داور خواسته می‌شد. لذا اجرای مفاد سازش‌نامه، نیازمند توسل به سایر طرق حل اختلاف بود.

حسب تاکید حقوق‌دانان، سازمان ملل متحد اقدام به تصویب معاهده سازمان ملل متحد درباره سازش‌نامه‌های ناشی از فرایند میانجی‌گری (معاهده سنگاپور) نمود تا حمایتی مشابه حمایت معاهده راجع به شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی^۳ (معاهده نیویورک)^۴، از سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی اعمال گردد و در کشورهای عضو، این امکان ایجاد شود که سازش‌نامه مستقیماً به عنوان یک سند حل اختلاف همانند آرای داوری و دادرسی اجرا گردد. لذا اگر کشور محل اجرای سازش‌نامه، عضو کنوانسیون سنگاپور باشد، سازش‌نامه به طور مستقیم اجرا می‌شود و نیازی به رسیدگی مجدد به دعوا توسط دادگاه وجود ندارد. البته ساختار دو معاهده مذکور به دلیل تفاوت‌های ذاتی داوری و میانجی‌گری، تمایزاتی با یکدیگر دارند اما هدف هر دو مقرره حمایت اجرایی از سند حل اختلاف است. ایران نیز معاهده مذکور را امضا نموده اما هنوز الحاق

۱. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019

۲. از این پس: «کنوانسیون» یا «کنوانسیون سنگاپور» یا «معاهده».

۳. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York) 1958

۴. از این پس «کنوانسیون نیویورک».

به آن در قوه مقننه تصویب نشده و لذا مقررات این معاهده در نظام حقوقی ایران لازم‌الاجرا نیست.

سوالات این مقاله آن است که: ۱- در چه شرایطی امکان حمایت اجرایی از سازش‌نامه وجود خواهد داشت؟ ۲- آیا سازش‌نامه در تمامی موارد از حمایت اجرایی برخوردار است و موانعی در این خصوص وجود دارد یا خیر؟ ۳- اثر حمایت اجرایی از سازش‌نامه چه بوده و مزیت آن برای طرفین چیست؟ در راستای پاسخ به سوالات مذکور فرضیات پژوهش حاضر آن است که: ۱- کتبی و دارای امضا بودن، دخالت میانجی‌گر و بین‌المللی و تجاری بودن سازش‌نامه، شرایط اصلی لازم برای حمایت اجرایی از این سند حل اختلاف هستند؛ ۲- اوصاف و مفاد سازش‌نامه، ویژگی‌ها و رفتار طرفین و میانجی‌گر و رویکرد نظام حقوقی کشور محل اجرا می‌توانند مانع اجرای سازش‌نامه شوند؛ ۳- در صورت وجود شرایط فوق و فقدان موانع مذکور، سازش‌نامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا از حمایت اجرایی برخوردار بوده و دعوی موضوع سند مذکور از وضعیت اعتبار امر مختوم برخوردار خواهد گردید.

در ادامه، اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اشخاص و قانون‌گذار ایرانی بتوانند با ابعاد مختلف این معاهده آشنا شوند و از تسهیلات آن بهره ببرند.

۱. پیشینه و اهمیت اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی

میانجی‌گری در کنار داوری و دادرسی، همیشه به عنوان یکی از اصلی‌ترین روش‌های حل اختلاف مطرح بوده اما هیچ‌گاه این روش حل اختلاف، به اندازه هم‌تایان خود، از اقبال برخوردار نبوده است. این در حالی است که میانجی‌گری دارای مزایای متعددی است که برخی از آنها عبارتند از: حفظ روابط تجاری و اقتصادی طرفین دعوا، سریع‌تر و ارزان‌تر بودن، تعیین نتیجه دعوا توسط خود طرفین، قابل پیش‌بینی بودن نتیجه دعوا و امکان ارائه راه‌حل‌های انعطاف‌پذیر (Zeller and Trakman, 2019, p. 10).

در بررسی‌ها و تحقیقاتی که توسط برخی از پژوهشگران (Dilyara, 2012, p. 70; Serbenko, 2012, p. 35) از فعالان تجاری و متخصصان حقوقی صورت گرفت، مشخص گردید که مهم‌ترین دلیل عدم استقبال از میانجی‌گری، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری است. با این توضیح که پس از صرف زمان و هزینه در میانجی‌گری توسط طرفین دعوا و انعقاد سازش‌نامه، همواره امکان عدم اجرای آن توسط یکی از طرفین دعوا وجود دارد. در این حالت، طرف مقابل، به دلیل فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه، مجبور به تقدیم دادخواست



به دادگاه با موضوع الزام به ایفای تعهدات مذکور در سازش‌نامه است اما در داوری و دادرسی قضایی، نتیجه دعوا لازم‌الاجرا است و مستقیماً بر اساس رای داوری یا رای دادگاه، اجرائیه صادر می‌گردد.

جهت حل مشکل مذکور، برخی از نویسندگان (Boulle, 2014, p. 61) پیشنهاد تنظیم معاهده‌های را دادند تا همانند اجرای رای داوری وفق معاهده نیویورک، حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها نیز در عرصه بین‌المللی صورت گیرد. با پیشنهاد ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۴، کارگروه آنسیترال جلساتی در این خصوص تشکیل داد و نهایتاً در سال ۲۰۱۸ متن معاهده و قانون نمونه آنسیترال در زمینه میانجی‌گری تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجی‌گری^۱ تنظیم گردید (Dilyara, 2019, p. 36; Abramson, 2019, p. 362).

معاهده سنگاپور صراحتاً از سازش‌نامه‌ها (البته در صورت وجود شرایط لازم و فقدان موانع) حمایت اجرایی نمود تا با حمایتی شبیه معاهده نیویورک از آرای داوری، معاهده سنگاپور بتواند باعث ترویج و توسعه این روش حل اختلاف در دعاوی تجاری بین‌المللی گردد. تا زمان تنظیم مقاله حاضر، ۵۴ کشور معاهده سنگاپور را امضا نمودند و ۶ کشور آن را تصویب کرده‌اند. ایران نیز معاهده مزبور را امضا نمود اما تا زمان الحاق قطعی، سند بین‌المللی مذکور، در نظام حقوقی ایران لازم‌الاجرا نمی‌باشد.

۱. آیین و شرایط اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی

بر خلاف داوری و دادرسی قضایی، که باید قواعد خاصی در مورد فرایند رسیدگی به دعوا وضع شود تا از قضاوت عادلانه شخص ثالث (داور یا دادرس) اطمینان حاصل نمود، در میانجی‌گری با توجه به وصف توافقی بودن آن، عموماً وضع مقررات متعدد و سختگیرانه در روش حل اختلاف مذکور توصیه نمی‌شود تا انعطاف‌پذیری میانجی‌گری سلب نشده و طرفین آزادانه در مورد اختلاف خود تصمیم‌گیری نمایند. به همین دلیل در معاهده سنگاپور، تنها ماده ۴ و بخشی از ماده ۱، به شرایط استناد به سازش‌نامه‌ها و فرایند میانجی‌گری اختصاص داده شده است.

۱-۱. کتبی بودن سازش‌نامه

وفق بند ۱ ماده ۱ معاهده، سازش‌نامه باید کتبی باشد. رویکرد معاهده جهت شرط مذکور، سخت‌گیرانه نیست؛ زیرا وفق بند ۲ ماده ۲ چنانچه سازش‌نامه به هر شکلی ثبت شده باشد، به عنوان سازش‌نامه کتبی تلقی می‌گردد. در وضعیت ارتباطات الکترونیکی، چنانچه اطلاعات مربوطه

^۱ UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018

از این پس «قانون نمونه ۲۰۱۸».

به نحوی قابل دسترسی باشد که برای ارجاع بعدی قابلیت استفاده داشته باشد، شرط کتبی بودن سازش نامه تحقق یافته تلقی می‌گردد. لذا، تنها معیار مکتوب بودن سازش نامه، آن است که به گونه‌ای ثبت شده باشد که قابلیت ارجاع به آن وجود داشته باشد و ثبت سازش نامه در دفتر اسناد رسمی یا مراجع دیگر و یا ثبت سازش نامه در قالبی خاص، ضروری نیست (Schnabel, 2019(1), p. 22; Herisi, 2019, p. 162).

۱-۱. امضا شدن سازش نامه

مطابق پاراگراف الف از بند ۱ ماده ۴، سازش نامه باید توسط طرفین دعوا امضا شده باشد. در بند ۲ ماده ۴، امضای الکترونیکی سازش نامه با شرایطی به رسمیت شناخته شده است که عبارتند از: الف- روشی برای تشخیص هویت طرفین یا میانجی‌گر و نیز برای احراز اراده طرفین نسبت به اطلاعات مندرج در ارتباط الکترونیکی مذکور وجود داشته باشد؛ و ب- روش یاد شده شرایط ذیل را داشته باشد: اول) در پرتو اوضاع و احوال موضوع از جمله هر گونه توافق مرتبط، جهت احراز برقراری ارتباط الکترونیکی، به اندازه کافی قابل استناد باشد؛ یا دوم) در عمل اثبات شود که کارکردهای توصیف شده در بند الف فوق‌الذکر را به تنهایی یا همراه با ادله دیگر خواهد داشت.

۱-۱. دخالت میانجی‌گر در انعقاد سازش نامه

یکی از اوصاف ضروری سازش نامه جهت شمول در قلمرو معاهده، حصول سازش نامه در نتیجه فرایند میانجی‌گری است. وفق پاراگراف ب از بند ۱ ماده ۴ جهت احراز وصف مذکور و دخالت میانجی‌گر در فرایند میانجی‌گری، متقاضی اجرا باید مستنداتی ارائه نماید: اول) امضای میانجی‌گر روی سازش نامه؛ دوم) گواهی امضا شده توسط میانجی‌گر که نشان دهد سازش انجام شده است؛ سوم) تصدیق نهاد یا سازمانی که فرایند سازش را اداره کرده است؛ یا چهارم) در فقدان سه بند فوق، هر سند دیگری که از نظر مقام ذی‌صلاح قابل قبول باشد. در بند اخیر، رویکرد انعطاف‌پذیری جهت احراز دخالت میانجی‌گر در فرایند میانجی‌گری اتخاذ شده است زیرا ملاک، اقناع مقام اجراکننده سازش نامه در خصوص دخالت میانجی‌گر است و وی می‌تواند هر مستندی که صلاح دانست را جهت احراز موضوع مذکور، مطالبه نماید زیرا در بسیاری از موارد، میانجی‌گر به دلیل جلوگیری از ایجاد مسئولیت برای خود، سازش نامه را امضا نمی‌کند. علت ضرورت دخالت میانجی‌گر جهت اعمال معاهده سنگاپور، کاهش احتمال تبانی طرفین دعوا علیه حقوق اشخاص ثالث است؛ زیرا از لحاظ تئوری و عملی ممکن است که طرفین دعوا، سازش نامه را به منظور جلوگیری از توقیف اموال یکی از طرفین منعقد کنند. در واقع ممکن است طرفین سازش نامه با تبانی صورت گرفته، در مفاد سازش نامه توافق کنند که اموال یکی از طرفین به نفع طرف دیگر توقیف شود تا فرد ثالثی که مطالباتی از فرد مذکور دارد، نتواند این اموال را بازداشت و مصادره



کند. لذا با توجه به اعطای وصف لازم‌الاجرا بودن به سازش‌نامه‌ها در معاهده مذکور، باید قلمرو حمایتی آن به گونه‌ای محدود می‌گردید که با دخالت میانجی‌گر در فرایند میانجی‌گری، امکان تبانی طرفین منتفی شود (معبودی، رضائی، ۱۳۹۹(۲): ۷۸۷).

۱-۱. بین‌المللی بودن سازش‌نامه

وفق بند ۱ ماده ۱ معاهده، تنها سازش‌نامه بین‌المللی، در قلمرو معاهده سنگاپور قرار می‌گیرد. معیار بین‌المللی بودن سازش‌نامه، تفاوت اقامتگاه طرفین لحاظ شده است. همچنین در صورت یکسان بودن اقامتگاه طرفین، سازش‌نامه زمانی بین‌المللی محسوب می‌شود که موضوع سازش‌نامه ارتباط نزدیکی با کشور دیگری (غیر از کشور محل اقامت طرفین) داشته باشد و یا محل اجرای تعهدات مذکور در سازش‌نامه در کشور دیگری (غیر از کشور محل اقامت طرفین) باشد. ملاک در تعیین اقامتگاه، اقامتگاه تجاری است اما وفق پاراگراف ب از بند ۱ ماده ۲ معاهده، اگر طرفین دعوا اقامتگاه تجاری نداشته باشند، اقامتگاه عادی آنها ملاک قرار می‌گیرد. بر خلاف مقرر مذکور در بند ۶ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲، امکان اعمال معاهده بر سازش‌نامه‌های غیربین‌المللی حتی در صورت توافق طرفین بر چنین مسئله‌ای وجود ندارد. رویکرد معاهده سنگاپور بیان‌گر آن است که در تعیین بین‌المللی بودن سازش‌نامه اقامتگاه تجاری طرفین، محل اجرای تعهدات سازش‌نامه و موضوع سازش‌نامه اهمیت داشته و محل صدور سازش‌نامه (مبدأ سازش‌نامه) در این خصوص تاثیرگذار نیست.

در معاهده سنگاپور محل صدور سازش‌نامه یا مقر میانجی‌گری، فاقد هرگونه اثر حقوقی است زیرا تعیین مقر سازش‌نامه به راحتی میسر نیست و میانجی‌گری باید فارغ از مقررات و قوانین مکان وقوع آن باشد. لذا سازش‌نامه، سندی حقوقی است که هیچ وابستگی به کشور محل صدور خود ندارد. قانون حاکم بر سازش‌نامه براساس مقر میانجی‌گری نبوده و ابطال سازش‌نامه در مقر آن نیز هیچ اثری بر اعتبار آن نداشته و نیازی به تایید مفاد سازش‌نامه در محل صدور آن وجود ندارد (Morris-Sharma, 2019, p. 499; Alipour Herisi, 2019, p. 161).

۱-۱. تجاری بودن سازش‌نامه

وفق بند ۱ ماده ۱ معاهده، تنها سازش‌نامه‌های تجاری مشمول معاهده می‌شوند. به بیان برخی نویسندگان (معبودی، رضائی، ۱۳۹۹(۲): ۷۸۷)، علت اتخاذ رویکرد مزبور آن بوده است که عموماً در موضوعات غیرتجاری، حساسیت کشورها بیشتر بوده و هر نظام حقوقی تمایل دارد که موضوع خاصی را با توجه به منابع قانونی خود اتخاذ کند و در صورت شمول معاهده سنگاپور بر موضوعات غیرتجاری و تحمیل اجرای سازش‌نامه‌های بین‌المللی غیرتجاری، به احتمال زیاد، بسیاری از

کشورها به این معاهده ملحق نمی شدند. به نظر می رسد باید مفهوم موسعی از قید تجاری بودن سازش نامه را در نظر گرفت و وفق رویکرد قانون نمونه ۲۰۰۲، وصف تجاری باید به شکل وسیعی تفسیر گردد تا کلیه روابط تجاری اعم از قراردادی و غیر قراردادی در قلمرو معاهده قرار گیرند (Chua, 2019, p. 4; Chong and Steffek, 2019, p. 456).

۱. موارد عدم اجرای فرامرزی سازش نامه های تجاری بین المللی

حمایت اجرایی مطلق از سازش نامه، به هیچ عنوان مطلوب نیست. به همین دلیل در برخی موارد امکان اجرای سازش نامه وجود ندارد:

۱-۱. عدم اجرا به دلیل اوصاف و مفاد سازش نامه

برخی از جهات رد سازش نامه، به دلیل اوصاف و ویژگی هایی است که خود سازش نامه به عنوان سند حل اختلاف دارد.

۱-۱-۱. بی اعتباری سازش نامه

سازش نامه یک قرارداد محسوب می شود و طبیعی است که اگر سازش نامه باطل باشد، نباید از آن حمایت اجرایی صورت گیرد. موضوع مهم، مبنا و مرجع تصمیم گیری در خصوص باطل بودن سازش نامه است. رویکرد معاهده سنگاپور در خصوص باطل بودن سازش نامه، اعطای اختیار تصمیم گیری در این موضوع به دادگاه کشور اجراکننده سازش نامه است. با این توضیح که مرجع مذکور هم قانون حاکم بر سازش نامه را تعیین می کند (در فرض سکوت طرفین) و هم با بررسی موضع قانون حاکم، در مورد باطل بودن سازش نامه اتخاذ تصمیم می نماید (در فرض سکوت طرفین یا انتخاب قانون حاکم توسط طرفین). از این حیث دادگاه محل اجرای سازش نامه مستقل عمل می کند و اگر قانون حاکم بر سازش نامه، قانون کشوری غیر از کشور مقر دادگاه اجراکننده سازش نامه بود، برداشت دادگاه کشور اجراکننده سازش نامه از مقررات قانون حاکم ملاک است و حتی ابطال یا تنفیذ سازش نامه توسط دادگاه های کشور قانون حاکم، دادگاه محل اجرا را ملزم به تبعیت نمی کند (پاراگراف الف از بند ب ماده ۵ معاهده سنگاپور). مقرر مذکور از این جهت قابل نقد است که به دلیل احتمال زیاد عدم اشراف دادگاه محل اجرا به مقررات قانونی کشوری دیگر، اعطای چنین اختیاری به دادگاه مذکور منطقی نیست.

۱-۱-۱. فقدان وصف نهایی و الزام آور سازش نامه

در میانجی گری همیشه طرفین دعوا، قصد تنظیم سندی لازم الاجرا را برای حل اختلاف خود ندارند. در بسیاری از موارد، طرفین دعوا در نتیجه مذاکرات میانجی گری، قرارداد یا تفاهم نامه جدیدی را منعقد می نمایند. تنظیم کنندگان معاهده سنگاپور این حق را برای طرفین دعوا به



رسمیت شناخته‌اند که در سازش‌نامه خود صراحتاً قابلیت اجرای اجباری سند مذکور را نفی کنند. این توضیح لازم است که فرض اولیه معاهده آن است که سازش‌نامه منعقد شده توسط طرفین لازم‌الاجرا است و طرفین تنها در صورت توافق صریح بر خلاف وصف مذکور، می‌توانند سازش‌نامه را لازم‌الاجرا تلقی نکنند. نیازی به درج جهت رد مذکور وجود نداشت؛ زیرا با توجه به فراز دوم از پاراگراف ب از بند ۱ ماده ۵ معاهده، امکان عدم اجرای سازش‌نامه به دلیل مخالفت مفاد سازش‌نامه با صدور دستور اجرا، وجود دارد و در صورت ذکر لازم‌الاجرا نبودن سازش‌نامه در متن سند مذکور، اجرای سازش‌نامه به دلیل مغایرت با مفاد آن میسر نیست (Schnabel, 2019(1), p. 45-46).

۱-۱-۱. اجرای قبلی یا اصلاح بعدی مفاد سازش‌نامه

طرفین دعوا نمی‌توانند اجرای سازش‌نامه‌ای را تقاضا کنند که متن آن بعد از انعقاد دچار تغییر شده است و تنها سازش‌نامه نهایی طرفین که تمامی تغییرات در آن درج شده، قابلیت اجرایی دارد. همچنین، در صورتی که یکی از طرفین دعوا پیش از صدور اجراییه تعهدات خود را وفق سازش‌نامه به طور کامل ایفا کرده باشد، نمی‌توان وی را ملزم به اجرای دوباره مفاد سند مذکور نمود.

۱-۱-۱. ابهام سازش‌نامه

معاهده، یکی از موانع اجرای سازش‌نامه را ابهام مفاد سند مذکور عنوان کرده است. در تفسیر جهت رد مذکور باید بیان داشت که دادگاه اجراکننده سازش‌نامه، نمی‌تواند صرفاً به دلیل مشکلات شکلی یا املائی سازش‌نامه، ادبیات ضعیف آن و یا ابهام برخی بندها، سند مذکور را اجرا نکند و منظور مقرر مذکور، ابهامی است که امکان صدور دستور اجرا را برای مقام صالح، غیرممکن می‌سازد (Schnabel, 2019(1), p. 48). اصولاً هر سند حل اختلافی اگر دارای ابهام باشد، نمی‌توان اشخاص را ملزم به اجرای مفاد سند مذکور کرد. امکان وجود ابهام در سازش‌نامه به دلیل انعکاس مذاکرات شفاهی و غیر رسمی طرفین در آن همواره وجود دارد. لذا جهت اجرای سازش‌نامه باید تعهدات طرفین به صورت مشخص و بدون ابهام ذکر شده باشند.

۱-۱-۱. تعارض درخواست اجرای سازش‌نامه با مفاد آن

هدف اصلی میانجی‌گری، احترام به اصل آزادی اراده و اعطای اختیار تعیین سرنوشت دعوا به طرفین دعوا است و چنانچه دستور اجرا بر خلاف مندرجات توافق شده در سازش‌نامه صادر شود، در تضاد آشکار با هدف مذکور است. لذا یکی از جهات رد درخواست اجرای سازش‌نامه در معاهده سنگاپور، اختلاف بین درخواست اجرا و مفاد سازش‌نامه است. یکی از مواردی که طرفین می‌توانند

بر آن توافق نمایند فقدان وصف لازم‌الاجرا بودن یا عدم اعمال معاهده سنگاپور بر سازش‌نامه است؛ در این صورت، امکان اجرای سازش‌نامه وفق مقررات معاهده مذکور، منتفی است. به عنوان مثال، اگر طرفین در سازش‌نامه صراحتاً قید کنند که امکان اجرای اجباری مفاد آن بر علیه طرفین وجود ندارد، نمی‌توان اجرای سند حل اختلاف مذکور را بر طرفین تحمیل کرد.

۱-۱-۱. مخالفت سازش‌نامه با نظم عمومی و سازش‌ناپذیری موضوع اختلاف

دادگاه اجراکننده سازش‌نامه در صورتی که موضوع سند مذکور مخالف نظم عمومی یا جزو دعاوی سازش‌ناپذیر باشد، می‌تواند از اجرای سازش‌نامه خودداری نماید. به عنوان مثال امکان اجرای سازش‌نامه‌ای که تعهداتی غیر اخلاقی یا مخالف حقوق اساسی اشخاص را به طرفین تحمیل می‌کند، به دلیل مخالفت با نظم عمومی وجود ندارد. به علاوه وفق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی، سازش‌ناپذیر هستند. به نظر برخی نویسندگان (Schnabel, 2019(1), p. 54-55)، در اجرای مقرر مذکور، باید تفسیری بسیار مضیق از نظم عمومی و سازش‌ناپذیری مدنظر دادگاه محل اجرای سازش‌نامه اتخاذ نمود.

۱-۱-۱. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق خانواده

وفق پاراگراف ب از بند ۲ ماده ۱ معاهده، اگر موضوع سازش‌نامه مربوط به حقوق خانواده باشد، خارج از قلمرو معاهده سنگاپور قرار می‌گیرد. در مجموع به نظر می‌رسد به دلیل تجاری نبودن دعاوی خانوادگی و وجود مقررات امری متعدد در این حوزه در کشورهای مختلف، استثناکردن سازش‌نامه‌های با موضوع حقوق خانواده از قلمرو معاهده سنگاپور منطقی بوده است (Schnabel, 2019(1), p. 23؛ معبودی، رضائی، ۱۳۹۹(۳): ۱۷۲). به دلیل ارتباط اساسی مسائل خانوادگی با زیر ساخت‌های فرهنگی کشورهای مختلف و رویکردهای متفاوت نظام‌های حقوقی گوناگون در این خصوص، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌های خانوادگی، از لحاظ ملاحظات سیاسی و حقوقی منطقی است و از این حیث رویکرد معاهده سنگاپور قابل دفاع به نظر می‌رسد.

۱-۱-۱. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده

مطابق پاراگراف الف از بند ۲ ماده ۱ معاهده، سازش‌نامه‌های مربوط به دعاوی مصرف‌کننده از قلمرو اعمال معاهده مستثنی شده‌اند. علت اتخاذ رویه مذکور، غیرتجاری بودن موضوع دعاوی مصرف‌کننده، تفاوت قدرت چانه‌زنی طرفین در دعاوی مصرف‌کننده، امکان تحمیل اراده فروشنده به مصرف‌کننده و احتمال ناعادلانه بودن سازش‌نامه تنظیمی توسط طرفین دعوا ذکر شده است (معبودی، رضائی، ۱۳۹۹(۳): ۱۷۲؛ Schnabel, 2019(1), p. 24).



به‌طور کلی در اکثر نظام‌های حقوقی، قراردادهای منعقد شده میان مصرف‌کننده و تولیدکننده یا فروشنده، نسبت به حقوق قراردادهای دارای قواعدی خاص و ویژه است. دلیل اخذ چنین رویکردی این است که مصرف‌کننده برای تهیه کالا و خدمت موردنیاز خود ناگزیر به رجوع به تولیدکننده یا فروشنده است. فروشنده یا تولیدکننده با توجه به داشتن اطلاعات بیشتر نسبت به کیفیت کالا و خدمت ارائه‌شده و توانایی مالی افزون‌تر، می‌تواند اراده خود را بر مصرف‌کننده تحمیل نماید. لذا فرض اولیه اصل حاکمیت اراده، بر مبنای تساوی طرفین قرارداد است که در این نوع قراردادهای چنین موضوعی منتفی است و به همین دلیل از سازش‌نامه منعقد شده نیز حمایت اجرایی نمی‌شود.

۱-۱-۱. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق کار

وفق پاراگراف ب از بند ۲ ماده ۱ معاهده، سازش‌نامه‌های منعقد شده در خصوص دعاوی حقوق کار، مشمول معاهده نمی‌شوند. علت اتخاذ رویه مذکور، فقدان توازن قدرت قراردادی میان کارفرما و کارگر، وجود قواعد حمایتی و امری متعدد در حقوق کار و ارتباط قواعد حقوق کار به نظم عمومی بوده است و امکان دارد سازش‌نامه‌ای منعقد شود که باعث عدم بهره‌مندی کارگر از حقوق قانونی خویش گردد (رفیعی، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۲؛ معبودی، رضائی، ۱۳۹۹(۳): ۱۸۳). دلیل این امر تفاوت جایگاه کارگر و کارفرما و اختلاف قابل ملاحظه آنها در انتفاع از فعالیت کاری است. کارگر در روابط کار دارای جایگاهی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر بوده، لذا توازن قوا بین طرفین همواره به نفع کارفرما است و اگر بدون آگاهی کارگر از آنچه قانوناً به وی تعلق گرفته، سازشی حاصل شود، این سازش اعتبار ندارد و رافع مسئولیت کارفرما نخواهد بود.

۱-۱-۱. سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق ارث

پاراگراف ب از بند ۲ ماده ۱ معاهده، سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق ارث را از قلمرو معاهده سنگاپور استثناء کرده است. با توجه به امری بودن قواعد ارث و تردید در اعتبار سازش‌نامه‌های تنظیمی در این حوزه، استثناء کردن این نوع از سازش‌نامه‌ها، قابل دفاع است. باید توجه داشت که قواعد موجود در حقوق ارث به عنوان اسباب تملک قهری، امری بوده و با اراده افراد تغییر نمی‌کند و به دلیل عدم اعمال اصل حاکمیت اراده در این حوزه، اصولاً در موضوعات مربوط به حقوق ارث نمی‌توان سازش‌نامه مشمول حمایت اجرایی معاهده سنگاپور تنظیم نمود.

۱-۱-۱. سازش‌نامه‌های منعکس در رای داور یا رای دادگاه

پاراگراف الف از بند ۳ از ماده ۱ معاهده سنگاپور، سازش‌نامه‌های منعکس در رای دادگاه را با همین عبارات از قلمرو معاهده مذکور مستثنی کرده است. همچنین وفق پاراگراف ب از بند ۳ از ماده ۱ معاهده سنگاپور، سازش‌نامه‌هایی که به عنوان رای داور مورد ثبت قرار گرفته و

لازم الاجرا می‌باشند، از قلمرو معاهده مذکور استثنا شده‌اند. لذا در صورتی که سازش‌نامه در رای داوری یا رای دادگاه منعکس شود، مضمون قلمرو معاهده سنگاپور نخواهد بود. علت درج چنین مقرره‌ای در معاهده، جلوگیری از تداخل میان محدوده اعمال معاهده سنگاپور با معاهده نیویورک در مورد آرای داوری و معاهده‌های لاهه در مورد آرای قضایی بوده است، زیرا از منظر برخی حقوق‌دانان، یک سند قانونی نباید موضوع چندین رژیم اجرایی باشد و رفتارهای متفاوتی با آن صورت گیرد (McCormick and Ong, 2019, p. 536).

مقرره مذکور از چند جهت دارای ایراد و مورد نقد است: اولاً با توجه به ماده ۷ معاهده سنگاپور، استثناکردن سازش‌نامه‌های منعکس‌شده در رای داوری یا دادگاه به دلیل جلوگیری از تداخل معاهده سنگاپور با معاهده‌های نیویورک و لاهه، ضرورت ندارد. ماده ۷ معاهده سنگاپور عنوان می‌دارد که: این معاهده هیچ یک از طرفین ذی‌نفع را از حقوق ناشی از سازش‌نامه و مطابق با قوانین و معاهدات کشور عضو معاهده محروم نمی‌کند. مفاد ماده ۷ کنواسیون سنگاپور بیانگر این است که معاهده مذکور می‌خواهد بر اساس این ماده، طرفین سازش‌نامه را از بالاترین سطح حمایت برخوردار نماید؛ چه آن بالاترین سطح، حمایت مندرج در معاهده سنگاپور بوده و چه حمایت قوانین داخلی کشورها یا معاهده‌های دیگر باشد. لذا وفق مقرره مذکور و طبق قاعده حداکثر تاثیر، در صورت قابلیت اعمال دو معاهده بر سازش‌نامه منعکس در رای داوری یا رای دادگاه، معاهده‌ای در نهایت اعمال می‌شود که باعث اعتبار و صحت عمل حقوقی خواهد گردید (جنیدی، ۱۳۹۶: صص ۱۹۹-۲۰۰؛ McCormick and Ong, 2019, p. 530).

ثانیاً به دلیل این رویکرد معاهده سنگاپور، ممکن است سازش‌نامه منعکس‌شده در رای داوری یا رای دادگاه، به صورت کلی از حمایت اجرایی معاهدات بین‌المللی محروم شود، زیرا از یک طرف معاهده سنگاپور وفق بند ۳ از ماده ۱، به کلی سازش‌نامه‌های مذکور را استثنا کرده است و از طرف دیگر ممکن است این سازش‌نامه‌ها با توجه به مقررات معاهده نیویورک و لاهه نیز قابل اجرا تلقی نشوند (McCormick and Ong, 2019, p. 536-537). با این توضیح که ابهاماتی در خصوص اعمال معاهده نیویورک بر آرای داوری منعکس‌کننده سازش‌نامه طرفین - مثل «احتمال عدم وجود توافق‌نامه داوری»، «فقدان اختلاف میان طرفین»، «امکان نقض حق دفاع طرفین دعوا»، «تجاوز از حدود اختیارات داوران» و «امکان عدم وجود محل صدور در آراء داوری حاوی سازش»- وجود دارد. همچنین، به دلیل تعداد کم کشورهای عضو معاهده‌های لاهه و بالابودن احتمال عدم عضویت کشور محل درخواست اجرای گزارش اصلاحی در معاهده‌های مذکور، حمایت اجرایی از سازش‌نامه منعکس‌شده در رای دادگاه در بسیاری از موارد میسر نیست.



در مجموع بهتر بود که مقرر مذکور، به جای استثنا کردن سازش‌نامه‌های مذکور در رای داوری یا دادگاه، سازش‌نامه‌های تحت حمایت معاهده نیویورک و لاهه را استثنا می‌کرد.

۱-۱. عدم اجرا به دلیل اوصاف و رفتار طرفین و میانجی‌گر

گاهی اوقات رد درخواست اجرا توسط مرجع صالح، به دلیل وضعیت و رفتار میانجی‌گر یا طرفین دعوا صورت می‌گیرد.

۱-۱-۱. عدم اهلیت طرف/طرفین دعوا

انعقاد سازش‌نامه از یک طرف، عملی حقوقی و نوعی قرارداد بوده و از طرف دیگر، «سند حل اختلاف» ای است که حقوق و تعهداتی برای طرفین در آن ذکر می‌شود. لذا طرفین سازش‌نامه باید در زمان انعقاد سند مذکور، دارای اهلیت باشند.

۱-۱-۱. عدم رعایت استانداردهای میانجی‌گری توسط میانجی‌گر

یکی از جهات رد اجرای سازش‌نامه در بنده ماده ۵ معاهده سنگاپور، اینگونه بیان شده است که «استانداردهای قابل اعمال در خصوص میانجی‌گری یا سازش به صورت اساسی توسط میانجی‌گر مورد نقض قرار گرفته باشد، به نحوی که در صورت اطلاع طرف مقابل از نقض یادشده، اساساً وی اقدام به انعقاد سازش‌نامه نمی‌نمود». مهم‌ترین ابهام در مورد مقرر مذکور، منابع قانونی تعیین استانداردهای میانجی‌گری است. در مذاکرات کارگروه آنسیترال مصادیقی برای این استانداردها مثل رفتار عادلانه با طرفین و آیین‌نامه‌های مربوط به اخذ مجوز میانجی‌گری بیان گردید. در مجموع باید متذکر شد که عدم تعیین دقیق استانداردهای مذکور، باعث اعمال تفاسیر مختلف توسط دادگاه‌های کشورهای عضو و فقدان ایجاد رویه واحد در اعمال معاهده سنگاپور می‌گردد (Claxton, 2020, p. 16).

حفظ محرمانگی می‌تواند یکی از استانداردهای میانجی‌گری تلقی شود. محرمانگی، قلب تپنده میانجی‌گری بوده و رعایت اصل مذکور، تاثیر زیادی در موفقیت میانجی‌گری دارد، زیرا تنها در صورت اطمینان خاطر طرفین دعوا از عدم افشای اطلاعات محرمانه، روش‌های مختلف حصول سازش مطرح شده و میانجی‌گر نیز به دلیل امکان بررسی تمامی اطلاعات، می‌تواند راه‌حل‌های مفیدی به طرفین دعوا پیشنهاد نماید. محرمانگی در اکثر مقررات بین‌المللی موجود در خصوص میانجی‌گری (ماده ۸، ۹ و ۱۰ قانون نمونه ۲۰۰۲، ماده ۹، ۱۰ و ۱۱ قانون نمونه ۲۰۱۸، ماده ۷ دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجی‌گری در دعاوی تجاری و مدنی، ماده ۹ مقررات

میانجی‌گری افاق بازرگانی بین‌المللی مصوب ۲۰۱۴ و ماده ۱۷ مقررات میانجی‌گری سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب (۲۰۲۱) ذکر شده است.

۱-۱-۱. جانبداری و عدم استقلال میانجی‌گر

وفق بند «و» ماده ۵ معاهده یکی از جهات عدم صدور دستور اجرای سازش‌نامه، آن است که میانجی‌گر از افشای اوضاع و احوالی که موجب تردیدهای موجهی نسبت به بی‌طرفی و استقلال وی می‌گردد، خودداری نموده و اقدام مزبور تاثیر اساسی یا ناروا بر یکی از طرفین داشته به نحوی که در صورت افشای اوضاع و احوال مزبور طرف مورد نظر اقدام به انعقاد سازش‌نامه نمی‌نمود. بی‌طرفی و استقلال که عموماً در داوری و دادرسی قضایی مطرح می‌شود، علی‌رغم عدم تعیین نتیجه دعوا توسط میانجی‌گر، در میانجی‌گری نیز باید رعایت گردد؛ زیرا به هر حال میانجی‌گر با ارائه مشاوره و اطلاعات به طرفین، در تعیین سرنوشت دعوا موثر است. البته وفق مقرر مذکور، اصل بر این است که استقلال یا بی‌طرفی میانجی‌گر بر سرنوشت دعوا تاثیری ندارد و از این حیث، باید اثبات گردد که اعلام نکردن وضعیت‌های مذکور، چنان تاثیر اساسی یا ناروا بر یکی از طرفین داشته که در صورت افشای اوضاع و احوال مذکور، وی اقدام به انعقاد سازش‌نامه نمی‌نمود.

۱-۱-۱. عدم اجرا به دلیل سیاست‌های اتخاذی توسط کشور محل اجرا

کشورهای عضو معاهدات بین‌المللی، می‌توانند آثار و شرایط حقوقی آن‌ها را در صورت اجازه معاهده مزبور به وسیله اعمال حق شرط محدود یا مستثنی نمایند. وفق ماده ۸ معاهده سنگاپور کشورهای عضو می‌توانند دو حق شرط را اعمال کنند.

۱-۱-۱. عدم امکان اجرای سازش‌نامه‌های منعقد شده توسط دولت

وفق پاراگراف الف از بند ۱ ماده ۸ معاهده، کشور عضو می‌تواند اعلام کند که این معاهده را در مورد سازش‌نامه‌هایی که خودش یا یکی از سازمان‌های دولتی وی و یا نماینده یکی از سازمان‌های دولتی وی، جزء طرفین آن است، اجرا نخواهد کرد. طبق مقرر مذکور، معاهده نسبت به سازش‌نامه‌های دولتی به صورت پیش‌فرض اعمال می‌گردد مگر اینکه کشور عضو، سازش‌نامه‌های تنظیمی توسط دولت را مستثنی نماید. علت در نظر گرفتن حق شرط مذکور در معاهده سنگاپور آن بوده است که امکان اجرای اجباری مفاد سازش‌نامه علیه دولت‌ها به دلیل ایجاد مشکلات سیاسی در اکثر موارد وجود ندارد و همچنین امکان طرح ایراد فاقد سمت بودن نماینده امضاکننده سازش‌نامه و ارتباط دعاوی دولتی با موضوعات حساسی مثل امنیت ملی یا

۱ ICC Mediation Rules 2014.

۲ WIPO Mediation Rules 2021.



مسائل مربوطه به سیاست خارجی، همیشه محتمل است (Apter and Muchnik, 2019, p. 1273-1275).

۱.۱.۱. منوط کردن اجرای معاهده به توافق طرفین

وفق حق شرط مذکور، اصولاً معاهده بر سازش‌نامه‌ها اعمال می‌گردد و تنها در صورت اعمال حق شرط مذکور توسط یکی از اعضا، اعمال معاهده در دادگاه‌های کشور آن عضو منوط به توافق طرفین دعوا بر اعمال معاهده سنگاپور است. حسب مذاکرات کارگروه آنسیترال، توجیه درج حق شرط مذکور آن بوده است که میانجی‌گری به معنای اعطای اختیار تصمیم‌گیری در خصوص دعوا به طرفین است و خود طرفین دعوا باید در مورد لازم‌الاجرا بودن نتیجه میانجی‌گری تصمیم بگیرند و نباید اثر حقوقی به صورت غیر قابل پیش‌بینی به آنها تحمیل شود (Herisi, 2019, p. 49; Sussman, 2018, p. 167-168).

دلیل ذکر چنین حق شرطی این بوده است که ذات میانجی‌گری، اعطای اختیار تصمیم‌گیری در خصوص دعوا به طرفین است و لذا نباید مسئله‌ای به صورت غیر قابل پیش‌بینی و بدون توافق طرفین بر آن، به طرفین تحمیل شود. با توجه به عدم پیشرفت یکسان میانجی‌گری در کشورهای مختلف، نمی‌توان مدعی بود که لازم‌الاجرا بودن سازش‌نامه در نظام‌های حقوقی مختلف یک امر پیش‌فرض و قابل پیش‌بینی است. طرفین دعوا با توجه به سابقه عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها در حقوق کشورهای مختلف، در زمان تنظیم سازش‌نامه آن را سندی لازم‌الاجرا تلقی نمی‌کنند و لازم‌الاجرا بودن سازش‌نامه خارجی در اکثر نظام‌های حقوقی امری مرسوم نیست و لذا طرفین دعوا عموماً در زمان تنظیم سازش‌نامه این موضوع را پیش‌بینی نمی‌کنند.

۲. اثر اجرای فرامرزی سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی

مهم‌ترین موضوع درباره مقررات معاهده، تعیین حمایت‌هایی است که معاهده از سازش‌نامه‌ها می‌کند. در صورتی که سازش‌نامه دارای شرایط مذکور در معاهده باشد و همچنین موانع اجرایی نسبت به آن صدق نکند، سازش‌نامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا از حمایت اجرایی برخوردار بوده و دعوی موضوع سند مذکور از وضعیت اعتبار امر مختوم برخوردار خواهد شد. هدف اصلی معاهده جهت ترویج میانجی‌گری، در گرو اعمال حمایت‌های فوق از میانجی‌گری است. معاهده سنگاپور از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری، دو حمایت اصلی نموده است که عبارتند از:

۲-۱. اعطای وصف لازم‌الاجرا بودن به سازش‌نامه

هدف اصلی تصویب معاهده سنگاپور، حمایت اجرایی از سازش‌نامه مشابه مقررات معاهده نیویورک در خصوص آرای داوری بوده است. زیرا همانطور که سابقاً بیان گردید، مهم‌ترین عامل توسعه میانجی‌گری، اعطای وصف لازم‌الاجرا بودن به سازش‌نامه به عنوان نتیجه روش حل اختلاف است. در این مورد، بند ۱ ماده ۳ بیان می‌کند: «هر یک از کشورهای عضو معاهده، باید سازش‌نامه را مطابق قواعد آیین دادرسی خود و بر اساس شرایط مطروحه در این معاهده به اجرا گذارد». در خصوص چگونگی حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها، بحث‌های زیادی در کارگروه آنسیترال انجام شد و نهایتاً کشورها به این نتیجه رسیدند که به سازش‌نامه‌ها مستقلاً قدرت اجرایی داده شود تا وضعیتی مشابه آرای داوری پیدا کنند؛ زیرا سازش‌نامه همانند رای داوری، یک سند حل اختلاف محسوب می‌شود و نباید آن را قراردادی عادی تلقی نمود (Morris-Sharma, 2019, p. 494). همانطور که در بند ۱ ماده ۳ معاهده مشخص است، تنها حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها در مقرر مذکور عنوان شده است و نحوه اجرای سازش‌نامه به قواعد آیین دادرسی کشورها محول شده و معاهده معیار واحدی را در این خصوص ارائه نداده است (Schnabel, 2019(1), p. 39). رویه مذکور، همانند قواعد معاهده نیویورک در خصوص اجرای آرای داوری است. مهم‌ترین دلیل مشخص نکردن نحوه اجرای سازش‌نامه، یکسان نبودن میزان تجربه کشورها در حوزه میانجی‌گری و رویه‌های متفاوت ایشان در این خصوص بوده است (Schnabel, 2019(2), p. 1183). معاهده سنگاپور، نحوه اجرای سازش‌نامه‌ها را بیان نکرده و قواعد خاصی را در خصوص نحوه اجرای سازش‌نامه بر اعضا تحمیل نمی‌کند. لذا کشورهای عضو، سازش‌نامه را همانند سایر اسناد حل اختلاف (مثل آرای دادگاه‌ها و آرای داوری) و وفق مقررات آیین دادرسی خود به اجرا می‌گذارند. به عنوان مثال در نظام حقوقی ایران، باید همانند آرای داوری، دادگاه صالح اجراییه مستقیمی بر اساس سازش‌نامه صادر کند.

هدف اصلی کنوانسیون سنگاپور اعطای وصف لازم‌الاجرا بودن به سازش‌نامه (Mediated Settlements)^۱ به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری بوده و معاهده مذکور قواعد و مقرراتی را در خصوص توافق‌نامه میانجی‌گری (Agreements to Mediate)^۲ ندارد (معبودی؛ رضائی، ۱۳۹۹: ۱۲۶-۱۲۷). باید توجه داشت که قبل از شروع فرایند میانجی‌گری و انعقاد سازش‌نامه، ممکن است طرفین در ضمن یک قرارداد یا مستقلاً، بر استفاده از روش میانجی‌گری جهت حل اختلاف

۱ سازش‌نامه بر خلاف توافق‌نامه سازش، نتیجه موفقیت فرایند سازش بوده و به سندی اطلاق می‌شود که طرفین با تنظیم آن، اختلافات خود را فیصله داده‌اند.

۲ توافق‌نامه سازش به معنای قرارداد یا شرط ضمن عقدی است که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند که اختلافات خود را از طریق سازش حل و فصل نمایند.



خود توافق نموده باشند. وفق معاهده سنگاپور نمی توان به استناد توافق نامه میانجی گری، طرفین را ملزم به طی کردن فرایند میانجی گری کرد؛ زیرا به دلیل ذات توافقی میانجی گری و تعیین نتیجه دعوا توسط خود طرفین، الزام آنها به میانجی گری بیهوده است. البته اگر به هر دلیل طرفین حاضر به همکاری در فرایند میانجی گری شوند و در نهایت سازش نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی گری میان آنها منعقد شود، سند حل اختلاف مذکور از حمایت اجرایی معاهده سنگاپور برخوردار است.

۲-۱. ایجاد وضعیت اعتبار امر مختوم در خصوص سازش نامه

علاوه بر اعطای وصف لازم الاجرا بودن به سازش نامه ها، وصف مهم دیگری که معاهده سنگاپور در مورد سازش نامه ها لحاظ نموده است، اعتبار امر مختوم است (Chong and Steffek, 2019, p. 502; Morris-Sharma, 2019, p. 465). بدین توضیح که در صورت انعقاد سازش نامه، امکان اقامه دعوی مجدد در همان موضوع، توسط طرفین دعوا وجود ندارد. وفق بند ۲ ماده ۳ معاهده سنگاپور، چنانچه در خصوص موضوعی که یکی از طرفین، مدعی حل قبلی آن توسط سازش نامه است، اختلافی بروز نماید؛ کشور عضو معاهده باید به طرف مزبور اجازه دهد که بر اساس قواعد آیین دادرسی این کشور و مطابق شرایط مطروحه در این معاهده، به سازش نامه مزبور استناد نماید تا اثبات کند که موضوع مورد نظر سابقاً حل و فصل شده است. باید توجه داشت که میانجی گری به عنوان یک روش حل اختلاف، باعث خاتمه دعوی طرفین شده و از این حیث انعقاد سازش نامه همانند صدور رای دادگاه و رای داور، از طرح مجدد مسائل تصمیم گیری شده، در یک رسیدگی جدید، جلوگیری می کند. در غیر این صورت، اگر سازش نامه دلیل قطعی حل اختلاف محسوب نشود، هیچ کدام از طرفین دعوا نمی توانند از عدم طرح مجدد دعوا و اجرای مفاد سازش نامه توسط طرف مقابل، مطمئن باشند. لذا تنها اعطای وصف لازم الاجرا بودن به سازش نامه ها کفایت نمی کند و حتماً باید از طرح دعوی مجدد نیز جلوگیری نمود؛ زیرا در صورت عدم ایجاد وضعیت مذکور، طرفین دعوا همیشه می توانند با طرح دعوا در دادگاه، مانع اجرای سازش نامه گردند.

۳- تحلیل رویکرد کنونی حقوق ایران و پیشنهاد سیاست ترجیحی

در حقوق ایران رویکرد مثبتی نسبت به میانجی گری وجود دارد و این مسئله در امضای معاهده سنگاپور و تاکیدات سند تحول قضایی کاملاً آشکار است اما متأسفانه مقررات قانونی نظام حقوقی ایران، حمایت اجرایی بسیار محدودی از سازش نامه نموده که کاملاً در تعارض با رویکرد مذکور است. می توان به جرات عنوان نمود که حمایت اجرایی از سازش نامه، مهمترین دلیل موفقیت

سازش و بهره‌مندی از این روش قدیمی حل اختلاف توسط فعالان تجاری و سیستم قضایی هر کشوری است و عدم توسعه سازش چه در عرصه بین‌المللی و چه در حقوق داخلی کشورها بیشتر ناشی از عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها است. لذا اگر قانون‌گذار ایرانی به دنبال توسعه میانجی‌گری است، باید از سازش‌نامه‌ها حمایت اجرایی کند.

ممکن است طرفین سازش‌نامه دارای تابعیت‌ها و اقامتگاه‌های متفاوتی باشند و یکی از طرفین بخواهد سازش‌نامه را در کشوری غیر از محل تنظیم آن اجرا نماید. ممکن است صدور اجراییه بر اساس چنین سازش‌نامه‌ای در دادگاه‌های ایران درخواست شود و موضع حقوق ایران در این خصوص شایسته بررسی است. سازش‌نامه تجاری بین‌المللی، از لحاظ حقوقی یک سند (وفق ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی) محسوب می‌شود؛ زیرا سازش‌نامه قطعاً می‌تواند در مقام دعوی یا دفاع مورد استناد قرار گیرد. در همین راستا، اجرای آن نیز مطابق قواعد اجرای اسناد بین‌المللی در حقوق ایران خواهد بود. مقررات حاکم بر اجرای اسناد خارجی در دادگاه‌های ایران شامل دو ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی و ۱۲۹۵ قانون مدنی می‌باشد. ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی به صورت خاص، مربوط به اجرای اسناد «لازم‌الاجرا»ی خارجی بوده اما ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی در خصوص اعتبار اسناد خارجی به صورت عام می‌باشد. در نتیجه، در موارد نادری که گزارش اصلاحی دادگاه خارجی، به دلایل استثنایی، غیر لازم‌الاجرا باشد، وفق ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی به عنوان یک سند معتبر و غیر لازم‌الاجرا، صرفاً می‌تواند از طریق طرح و تعقیب دعوی قضایی و صدور حکم قطعی، به اجرا گذاشته شود. در مقابل، اجرای گزارش اصلاحی لازم‌الاجرای دادگاه خارجی، وفق ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی است. در حقیقت، ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۶ که ماده ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی به تصویب رسید، اعتبار اجرایی اسناد خارجی را نیز در بر می‌گرفت؛ اما با وضع ماده اخیر که به صورت خاص، راجع به حمایت اجرایی از اسناد لازم‌الاجرای خارجی است، موضوع اخیر، از قلمرو عام ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی خارج شد و حکم خاص خود را یافت.

تفاوت حکم دو ماده فوق در این است که اگر گزارش اصلاحی در کشور مبدأ لازم‌الاجرا باشد، ذیل ماده ۱۷۷ و ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی قرار می‌گیرد و در صورت داشتن شرایط مواد مذکور، از حمایت اجرایی برخوردار بوده و دادگاه ایرانی بر اساس سازش‌نامه مزبور اجرائیه صادر می‌کند. در مقابل اگر گزارش اصلاحی در کشور مبدأ لازم‌الاجرا نباشد، مشمول ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی است که صرفاً اعتبار گزارش اصلاحی غیر لازم‌الاجرا دادگاه خارجی را مورد پذیرش قرار داده و حمایت اجرایی از سند مزبور، ننموده است. لذا در صورت حصول شرایط ماده مذکور



گزارش اصلاحی دادگاه خارجی نزد دادگاه‌های ایرانی دارای اعتبار مدنی خواهد بود؛ اما دادگاه‌ها تکلیفی به اجرای مستقیم آن ندارند.

در نتیجه بر فرض لازم‌الاجرا بودن سازش‌نامه در نظام حقوقی کشور محل تنظیم و وجود شرایط هشت‌گانه ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، سازش‌نامه تنظیمی در دادگاه‌های خارجی در ایران از حمایت اجرایی برخوردار خواهد بود. لذا باید توجه داشت که مواد ۱۷۷ و ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، برای حمایت از سازش‌نامه‌های تنظیمی در کشور خارجی نزد دادگاه یا سران دفاتر اسناد رسمی، قابلیت بهره‌برداری بسیار بیشتری دارد تا سازش‌نامه‌های عادی در کشورهای خارجی (نزد میانجی‌گر عادی). زیرا عمده نظام‌های حقوقی از سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد دادگاه‌های خود و سران دفاتر اسناد رسمی خویش حمایت اجرایی می‌کنند؛ اما کشورهای معدودی هستند که از سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد اشخاص عادی تحت عنوان میانجی‌گر حمایت اجرایی نمایند.

با توجه به مراتب فوق، حمایت اجرایی از سازش‌نامه در حقوق ایران تنها در سه فرض تنظیم سازش‌نامه نزد دادگاه، داور یا سردفتر اسناد رسمی (وفق مواد ۱۸۱، ۱۸۴، ۴۸۳ و ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۶۹ و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۲۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی) صورت می‌گیرد و در تمامی مقررات (مقررات یادشده، سند تحول قضایی [اراهکارهای شماره ۱، ۲ و ۳ از چالش ۲ از ماموریت اول]، آیین‌نامه میانجی‌گری کیفری، مواد ۸ و ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف و بخشنامه رییس قوه قضاییه در خصوص اهمیت صلح و سازش و نقش آن در احقاق حق و پیشگیری از اطاله دادرسی) که در خصوص میانجی‌گری به تصویب رسیده‌اند، حمایت اجرایی کاملی از سازش‌نامه لحاظ نشده است. متأسفانه هنوز در حقوق ایران، علی‌رغم درک ضرورت توسعه میانجی‌گری، اقدامات موثری جهت حمایت از این روش حل اختلاف صورت نگرفته است. باوجود امضای معاهده سنگاپور، به دلیل عدم تصویب مجلس شورای اسلامی، هنوز نمی‌توان معاهده مورد نظر را بخشی از نظام حقوقی ایران تلقی نمود. ضمن اینکه در صورت تکمیل فرایند الحاق به سند مذکور، همچنان خلأ در حقوق داخلی در این زمینه باقی خواهد ماند. زیرا معاهده یادشده صرفاً مربوط به سازش‌نامه‌های دارای وصف بین‌المللی است. قانون‌گذار ایرانی باید به موازات تصویب الحاق ایران به معاهده سنگاپور، اصلاحاتی نیز در نظم قانونی داخلی اعمال نماید تا هم‌گام با تحولات جدید جهانی، از سازش‌نامه‌های تنظیمی در ایران نیز حمایت اجرایی شایسته‌ای به عمل آورد؛ امری که دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد، اما تسریع قوه مقننه در

این خصوص می‌تواند منجر به کاهش چشمگیر پرونده‌های قضایی شده و وضعیت نظام حقوق داخلی ایران را نیز در حمایت اجرایی از سازش‌نامه در جایگاه مطلوب‌تری قرار دهد. به نظر می‌رسد الحاق هرچه سریعتر ایران به معاهده سنگاپور و تصویب قانونی جامع در خصوص حمایت از سازش‌نامه‌های داخلی با توجه به مقررات قانون نمونه آنسیترال ۲۰۱۸، می‌تواند میانجی‌گری را در ایران در وضعیتی ویژه قرار دهد و متعاقباً اشخاص و فعالان تجاری و همچنین سیستم قضایی می‌توانند از مزایای متعدد این روش حل اختلاف بهره‌مند گردند.

البته در خصوص الحاق به معاهده مذکور، این تردید مطرح است که تصمیم‌گیری در این خصوص باید با لحاظ شرایط و نوع تعاملات تجاری ایران با سایر کشورهای عضو صورت گیرد و بدون وجود چشم‌اندازی درست از سایر شرکای تجاری ایران در این کنوانسیون، نمی‌توان با اطمینان و بدون تردید، از پیوستن ایران به این معاهده سخن گفت. در پاسخ به ایراد مذکور باید عنوان داشت که اولاً رویکرد پژوهش حاضر بررسی ابعاد حقوقی الحاق به معاهده سنگاپور بوده و ارائه پیشنهاد رویکرد مطلوب در این خصوص است؛ ثانیاً در تصمیم‌گیری جهت الحاق به معاهدات چندجانبه و در خصوص مسائل حقوقی (نه سیاسی) تمرکز اصلی باید بر بررسی مفاد معاهده و تاثیر مثبت آن برای نظام حقوقی کشور باشد و وضعیت روابط با کشورهای عضو در اولویت دوم قرار می‌گیرد. به این دلیل که کشورهای عضو این‌گونه معاهدات ممکن است به دلیل الحاق یا انصراف کشورها دچار تغییر گردند و همچنین روابط سیاسی و تجاری با کشورها ممکن است فراز و فرود داشته باشد. با توجه به مراتب فوق، جهت در نظر گرفتن مصالح سیاسی کشور در خصوص تعامل با کشورهای مختلف از یک طرف و بهره‌مندی نظام حقوقی ایران از مزایای الحاق به معاهده سنگاپور، پیشنهاد می‌شود که ایران با اعمال دو حق شرط مذکور در این معاهده، به آن محلق گردد. در این صورت اعمال معاهده سنگاپور در خصوص سازش‌نامه‌های دولتی منتفی می‌شود. همچنین تنها در صورت توافق صریح طرفین در سازش‌نامه، معاهده مذکور اجرا خواهد شد. با اتخاذ رویکرد فوق، از یک طرف الحاق به معاهده سنگاپور جهت بهره‌مندی از مزایای آن صورت گرفته است و از طرفی دیگر معاهده مذکور به طور پیش‌فرض اجرا نشده و می‌توان از اعمال آن نسبت برخی سازش‌نامه‌ها جلوگیری کرد.



۳- نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دلیل عدم توسعه میانجی‌گری، ضعف حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری است. معاهده سنگاپور، جهت رفع نقیصه مذکور و ایفای نقشی همانند معاهده نیویورک، جهت توسعه میانجی‌گری به تصویب رسیده است. مهم‌ترین مقررده موجود در معاهده مذکور، حمایت اجرایی و اعطای وضعیت اعتبار امر مختوم به سازش‌نامه است که باعث می‌شود نتیجه میانجی‌گری از اعتبار مشابهی با داوری و دادرسی بهره‌مند گردد. البته فقدان توسعه میانجی‌گری در عرصه بین‌المللی و مقاومت اعضای کارگروه آنسیترال، باعث درج برخی مقررات قابل انتقاد (مثل عدم حمایت از سازش‌نامه‌های منعکس در رای داوری یا رای دادگاه، عدم حمایت از سازش‌نامه‌های مربوط به حقوق مصرف‌کننده، عدم وضع مقررات در خصوص حفظ محرمانگی و منوط کردن اجرای معاهده به توافق طرفین) در متن معاهده سنگاپور گردید. در مجموع درج مقررات مذکور، جهت اجماع اعضا برای تصویب این معاهده ضروری بوده است و نمی‌توان به این دلیل، از نقش مهم معاهده سنگاپور چشم‌پوشی کرد. به هر حال معاهده سنگاپور برای اولین بار از توافقی ناشی از میانجی‌گری حمایت اجرایی نمود و در واقع پیش‌فرض حقوقی موجود در خصوص میانجی‌گری را متحول ساخت. در صورت موفقیت معاهده سنگاپور و توسعه میانجی‌گری در دعاوی تجاری، شاید در آینده معاهده‌ای جامع‌تر در خصوص میانجی‌گری به تصویب برسد؛ همانطور که معاهده ژنو در خصوص آرای داوری، علی‌رغم وجود ایرادات حقوقی، توانست زمینه را برای تنظیم معاهده موفق نیویورک فراهم نماید. به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد می‌شود که به معاهده سنگاپور پیوسته و به صورت موازی نیز قانونی جامع در خصوص میانجی‌گری تجاری را با الهام از قانون نمونه میانجی‌گری آنسیترال وضع نماید، تا تحول مفیدی در حوزه حل و فصل اختلافات در حقوق ایران به وقوع بپیوندد و میانجی‌گری داخلی و بین‌المللی در حقوق ایران دارای حمایت اجرایی شوند.

۲- منابع

۲-۱- منابع فارسی

الف) کتاب

۱. رفیعی، احمد (۱۳۹۵). *حقوق کار*، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان.

ب) مقالات

۲. معبودی، رضا و سیدعلیرضا رضائی (۱۳۹۹)(۱). «رویکرد معاهده سازش ۲۰۱۹ و نظام حقوقی ایران در مورد چالش های سازش نامه های حاصل از میانجی گری تجاری بین المللی»، *پژوهش های حقوق تطبیقی*، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۸، شناسه دیجیتال: 20.1001.1.22516751.1399.24.2.5.5

۳. معبودی، رضا و سیدعلیرضا رضائی، (۱۳۹۹)(۲). «قلمرو سازش نامه های مشمول معاهده سازش ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۷۸۳-۸۰۱، شناسه دیجیتال: 10.22059/JLQ.2020.292440.1007301

۴. معبودی، رضا و سیدعلیرضا رضائی، (۱۳۹۹)(۳). «تحلیل دعاوی مستثنی شده از قلمرو معاهده سازش ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فقه امامیه»، *مطالعات حقوقی معاصر*، دوره ۱۱، شماره ۲۰، صص ۱۶۹-۱۹۴، شناسه دیجیتال: 10.22034/LAW.2020.12369

۳-۱- منابع لاتین

A) Books

5. Abramson, Hal (2019). *New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements, In Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, First Edition, London, Oxford University Press.
6. Dilyara, Nigmatullina (2019). *Combining Mediation and Arbitration in International Commercial Dispute Resolution*, First Published, New York, Routledge.
7. Rafie, Ahmad (2016). *Labor Rights*, Second Edition, Tehran, Fekrsazan Publication. (In Persian)

B) Articles

8. Apter, Itai & Coral Henig Muchnik (2019). "Reservations in the Singapore Convention - Helping to Make the New York Dream Come True", *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, Vol. 20, No. 4, pp. 1267-1281, Available at: <https://unov.tind.io/record/69840?ln=en>, Accessed at: 2021/11/09.



9. Boulle, Laurenc (2014). "International Enforceability of Mediated Settlements: Developing the Conceptual Framework", *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 35-68, Available at: <https://ssrn.com/abstract=2443322>, Accessed at: 2021/11/09.
10. Chong, Shou & Felix Steffek (2019). "Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private international law issues in perspective", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, Special Issue, pp. 1-39, Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2943/, Accessed at: 2021/11.
11. Chua, Eunice (2019). "Enforcement of International Mediated Settlements without the Singapore Convention on Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol.31, pp. 572-597, Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/3090/, Accessed at: 2021/11.
12. Claxton, James (2020). "The Singapore Convention for Mediation: From Promotion to Workable Standards by Way of New York", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3612380>, Accessed at: 2021/11/09.
13. Herisi, Ahdieh Alipour (2019). "Aftermath of the Singapore Convention: A Comparative Analysis between the Singapore Convention and the New York Convention", *American Journal of Mediation*, Vol. 12, pp. 1-19, Available at: <http://www.americanjournalofmediation.com>, Accessed at: 2021/11/09.
14. Maboudi Neishabouri, Reza & Seyed Alireza Rezaee (2020)(1). "The Approach of Singapore Convention 2019 and Iranian Legal System toward Challenges of International Commercial Mediation", *Comperative Law Researches*, No. 24, Vol. 2, pp. 113-138. (In Persian)
15. Maboudi Neishabouri, Reza & Seyed Alireza Rezaee (2020)(2). "The Scope of Settlement Agreements Covered by Singapore Convention 2019 With Comparative Study of Iranian Legal System", *Private Law Studies*, No. 50, Vol. 4, pp. 783-801. (In Persian)
16. Maboudi Neishabouri, Reza & Seyed Alireza Rezaee (2020)(3). "The Analysis of Excluded Disputes from the Scope of Singapore Convention 2019 with

Comparative Study of Iranian Law and Imamah Jurisprudence", *Contemporary comparative law studies*, Vol. 11, No. 20, pp. 169-194. (In Persian)

17. McCormick, Khory & Sharon Ong (2019). "Through the Looking Glass: An Insiders Perspective Into The Making Of The Singapore Convention On Mediation", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 553-592, Available at: <https://journalonline.academypublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue>, Accessed at: 2021/11/09.

18. Morris-Sharma, Natalie (2019). "Constructing The Convention On Mediation The Chairperson's Perspective", *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 487-519, Available at: <https://journalonline.academypublishing.org.sg/Journals/Singapore-Academy-of-Law-Journal-Special-Issue>, Accessed at: 2021/11/09.

19. Schnabel, Timothy (2019)(A). "The singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol. 19, No. 1, pp. 1-60, DOI:10.2139/ssrn.3239527

20. Schnabel, Timothy (2019)(2). "Recognition by Any Other Name: Article 3 of the Singapore Convention on Mediation", *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, Vol. 20, No. 4, pp. 1181-1196, Available at: <https://unov.tind.io/record/69840?ln=en>, Accessed at: 2021/11/09.

21. Serbenco, Eduard (2012). "Bargaining in the Shadow of Arbitration: When Mediation Settlements become Enforceable Arbitral Awards", *Romanian Journal of International Law*, Vol. 14, pp. 68-105, DOI: 10.15779/Z38JQ0SV81

22. Sussman, Edna (2018). "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements", *Icc Dispute Resolution Bulletin*, Vol. 3, pp. 42-54, Doi: 10.15779/Z38JQ0SV81

23. Zeller, Bruno & Leon Trakman (2019). "Mediation and Arbitration: the Process of Enforcement", *University of New South Wales Law Research Series Uniform Law Review*, Vol. 1, pp 1-18, Doi: 10.1093/ulr/unz020.



Analyzing the Cross-Border Enforcement of International Commercial Settlement Agreements with a Comparative Study of Iran's Laws and a Preferential Policy Proposal

Reza Maboudi Neishabouri^{1*}, Seyed Alireza Rezaee²

1. Assistant Professor in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad

2. Ph. D. in Private Law, Faculty of Law & Political Sciences, Mashhad. Ferdowsi University of Mashhad

Receive: 2022/11/8 Accept: 2023/01/10

Abstract

Mediation, despite its historical antiquity and significant benefits for parties, has been less successful than other methods of dispute resolution such as arbitration and litigation. According to scientific and practical researches, the reason for the mentioned situation was the lack of enforcement support of the settlement agreements as a result of the mediation process. To cover this weakness and to promote mediation, the United Nations ratified the Singapore Convention. The convention has recently entered into force and signed by Iran, although it has not yet been ratified by the Iranian legislature. In the present study, various rules and aspects of cross-border implementation of international trade settlement agreements have been analyzed, so that the Iranian legislature, legal researchers and business activists can have a correct understanding of the provisions of the Convention. Finally, this article concludes that the Singapore Convention has taken an important step towards the development of mediation in order to provide enforcement support to the settlement agreements and to grant the status of Res Judicata to said document. Of course, there are ambiguities and rules that can be criticized in the treaty, the inclusion of which is due to the need for consensus of the countries and certainly the Singapore Convention, by providing the setting and development of mediation, can result in ratification of more comprehensive mediation treaty. The Iranian legislature is advised to accede to the Treaty, and to harmonize the legal approach to domestic and international mediation, to enact a national mediation law inspired by the UNCITRAL Model Law so that the Iranian dispute resolution system takes an important step in promoting this method of dispute resolution.

Keywords: Reconciliation, Enforcement Support, Res Judicata, Judicial Settlement, Settlement Agreement Reflected in the Arbitral Award

* Corresponding author : .maboudi@um.ac.ir